

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال سیزدهم، شماره ۵۲، تابستان ۱۴۰۰
صفحات: ۲۱۱-۱۸۷
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۳/۲۹
مقاله: پژوهشی

تحلیل گفتمان دولت ستیزی در تجربه جمهوری کردستان (مهباد ۲۵-۱۳۲۴)

عبدالعزیز مولودی* / مجید توسلی رکن آبادی** / محمد مهدی مجاهدی***

چکیده

اعلام جمهوری کردستان در مهباد در سال ۱۳۲۴ بعد از اینکه در جریان جنگ جهانی دوم، روسها از ترک خاک ایران سرباز زدند، یک رویداد مهم در آن دوران است که هم بر تحولات کشور اثر داشت و هم برای آینده بار معنایی ایجاد کرد. روزنامه ی کردستان، زبان حال جمهوری و ارگان حزب دموکرات کردستان ایران به رهبری قاضی محمد بود، بنابراین، به عنوان یکی از منابع ارزشمند بررسی، تحلیل و نقد رویدادهای این دوره است. مقاله حاضر بر اساس روش کیفی و بر مبنای الگوی تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، با بررسی مقالات منتشره در روزنامه ی کردستان، به تحلیل گفتمان دولت ستیز در تجربه ی جمهوری کردستان می پردازد. سوال اصلی این است که آیا گفتمان سیاسی دولت ستیز در جمهوری کردستان شکل گرفت؟ بر اساس نتایج بدست آمده، تجربه ی جمهوری کردستان، بخشی از نتایج استبداد حاکم بر ایران در دوران قاجاریه و پهلوی است. از این رو، گفتمان اصلی جمهوری، آزادی و دموکراسی است و بعد از آن، خواست خاص گرایانه ی ناسیونالیستی کرد که در کسب خودمختاری با اختیارات مشخص قانونی و در چهارچوب سیاسی دولت ایران مطرح شده است.

کلیدواژه‌ها:

جمهوری کردستان؛ تحلیل گفتمان انتقادی؛ کردها؛ دولت ستیزی؛ استبداد.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش جامعه شناسی سیاسی)، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Aziz_moloudi@hotmail.com

** دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤل).
tavasoli@gmail.com

*** استادیار گروه علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۱. بیان مسأله

ایران در دوره قاجاریه، دارای ساخت قدرت مبتنی بر تکثر و پراکندگی منابع قدرت بود و به رغم شیوه اعمال قدرت استبدادی و خود کامه، ساخت قدرت نامتمرکز و ملوک الطوائفی بود. در نظام سیاسی سنتی ایران، سلطنت، ویژگی خودکامگی و استبدادی داشت ولی به لحاظ ساختاری، امکان انتقال آن به نظام مبتنی بر ساختار مطلقه در آن زمان وجود نداشت. زیرا دولت مطلقه، مستلزم وجود تمرکز در منابع قدرت سیاسی و اداری بود که دولت قاجاری به لحاظ نوع ساخت سیاسی اش از انجام این کار ناتوان بود (اکبری، ۱۳۸۴: ۲۳۹). بر خلاف آن، یکی از دلایل عمده ای که دولت رضاشاه پهلوی مطلقه بوده، تمرکزی است که وی در منابع پراکنده ی قدرت بوجود آورد و بارزترین اقدام در این راستا را از میان برداشتن تکثر و پراکندگی منابع قدرت محلی و نیمه مستقل از سوی او می دانند.

برنامه تجدد رضاشاه با به کارگیری موثر ابزارهایی مانند تمرکزگرایی، ملی گرایی، بهنجارسازی و یکسان سازی، رقبای خود را به حاشیه راند و گفتار مسلط نوسازی ایران گردید. این پروژه، سنت، مذهب، فرقه ها و هویت های کوچک و خاص گرا و زبان های غیرفارسی را به عنوان اغیار مقوله بندی کرد (اکبری، ۱۳۸۴: ۲۳۹). در نتیجه برنامه تجدد گرایی آمرانه رضاشاه، ایرانی دیگری تعریف شد که مبنای هویت جدید ایرانی را تشکیل می داد. با ظهور ناسیونالیسم و اندیشه دولت- ملت و با کمی مسامحه ریشه دارتر، لحاظ داشت ایدئولوژی مذهبی خاص، جوهره اصلی همزیستی، چهره ای کدر گونه به خود گرفت و در قالب های ناپایداری همچون تبعیض، کوچ اجباری و تبعید، به یک رنگ درآوری و ... خود را نشان داد (اخباری و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۴).

در این زمینه، تشکیل جمهوری کردستان در مهاباد در سال ۱۳۲۴، بعد از اینکه در جریان جنگ جهانی دوم روسها از ترک خاک ایران سرباز زدند، یک واقعه با اهمیت در تاریخ کشور است که ممکن است از زوایای مختلفی این رویداد را مورد بررسی و تحلیل قرار داد. به نظر می رسد که این رویداد نه تنها در آن دوران بر تحولات کشور اثر داشت، که برای آینده نیز بار معنایی ایجاد کرد.

روزنامه کردستان که در مهاباد بعد از اعلام جمهوری منتشر و در شهرهای همجوار پخش می شد، زبان حال جمهوری کردستان در شهر مهاباد در سال های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ بود، هم زمان نیز ارگان حزب دموکرات کردستان ایران به رهبری قاضی محمد بود، از این منظر می

توان گفت که شماره های بجا مانده از روزنامه کردستان یکی از منابع ارزشمند بررسی، تحلیل و نقد رویدادهای این دوره است. مسائل این دوره را از زبان روزنامه کردستان و محتوایی که برای مخاطبان خود تولید می کرد، می توان درک کرد. در واقع، روزنامه کردستان این دوره، برای خود گفتمانی سیاسی داشت که آنرا تبلیغ می کرد. با توجه به اینکه در مناطق کردنشین آن دوره، حرکتیایی در قالب جنبش اجتماعی اعتراضی وجود داشت و با تشکیل جمهوری کردستان، روابط دولت وقت ایران و تجربه ی جمهوری بحرانی بود، مقاله درصدد است به تحلیل گفتمان دولت ستیز در تجربه جمهوری کردستان بپردازد. بر این اساس، سوال اصلی مقاله این است که آیا گفتمان سیاسی دولت ستیز در جمهوری کردستان شکل گرفت؟ اگر شکل گرفت، ویژگی ها و مختصات آن چه بود؟ منظور از دولت ستیزی در این مقاله، واگرایی سیاسی از دولت مرکزی، تقابل با آن و تلاش برای کسب استقلال است.

۲. مبانی نظری پژوهش

از جمله مفاهیم کلیدی و پرکاربردی که در شکل دادن تفکر فلسفی، اجتماعی، سیاسی مغرب زمین در نیمه ی دوم قرن بیستم نقش بسزایی داشته و هنوز هم دارد، مفهوم گفتمان^۱ است. گرچه این مفهوم در ادبیات فلسفی - اجتماعی دوران کهن، قرون وسطی و به ویژه دوران مغرب زمین کاربرد فراوانی داشته، ولی معنای آن در چند دهه اخیر تغییر فاحشی کرده است (عضدانلو، ۱۳۷۵: ۴۷). گفتمان در گستره مفهومی خود، به ویژه در بیان غیرفنی، صرفا به مفهوم صحبت، مکالمه یا گفتگو می باشد، که گاه به طور تلویحی بیانگر نوعی هدف آموزشی و تعلیمی نیز است (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲).

علاوه بر فردیناند دوسوسور^۲، زبان شناس سوییسی، اندیشمندی که تحول چشمگیری در مفهوم گفتمان ایجاد کرد میشل فوکو، فیلسوف فراساختگرای فرانسوی است. از نظر فوکو، بدین جهت که گفتمان از تعداد محدودی گزاره تشکیل شده که می توان برای ظهور آن ها شرایط خاص تعریف نمود، مفهوم گفتمان را باید در کالبد دیرینه شناسی و تبارشناسی مورد بحث قرار داد و تحلیل کرد. گفتمان از نظر فوکو عبارتست از تفاوت میان آنچه می توان در یک دوره

1. Discourse

2. Ferdinand De Saussur

معین به صورت درست گفت و آنچه که در واقع گفته می شود که با وجود جلب توجه ما به سوی گستردگی ظرفیت نظام زبان، مشکل نادیده گرفته شدن امکانات آن به دلیل دست و پا گیر بودن، قواعد دستوری را هم بررسی می کند. از نظر فوکو گفتمان همیشه بخشی از شرایط تاریخی مرتبط با کارکرد قدرت و دانش می باشد (داوودی، ۱۳۸۹: ۵۶).

زبان شناسان نقادی چون نورمن فرکلاف با اتکا به مبانی بحث های فوکو، گفتمان را صرفا بازتاب دهنده روابط قدرت بیرون از آن نمی داند، بلکه برای گفتمان وجهی تاسیس کننده قائل است. گفتمان عرصه ظهور و باز تولید قدرت و در عین حال نقد و مقاومت در برابر آن است (تاجیک، ۱۳۹۰: ۲۷۴). بنابراین، متن را نمی توان در خلاء فهم یا حتی تحلیل کرد. بلکه هر متنی را در رابطه با سایر متون و در رابطه با بستر اجتماعی آن می توان فهمید. فرکلاف در تعریف گفتمان می نویسد: «من گفتمان را مجموعه به هم تافته ای از سه عنصر عمل اجتماعی، عمل گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و خود متن می دانم و تحلیل یک گفتمان خاص، تحلیل هریک از این سه بعد و روابط میان آن ها را طلب می کند. فرضیه ما این است که پیوندی معنادار میان ویژگی های خاص متون، شیوه هایی که متون با یکدیگر پیوند می یابند و ماهیت عمل اجتماعی وجود دارد» (محسنی، ۱۳۹۱: ۶۶).

از نظر فرکلاف، گفتمان همان زبان به منزله کنش اجتماعی است. فرکلاف سعی دارد نشان دهد کاربرد زبان به خودی خود همیشه عملی اجتماعی است. علاوه بر چنین اعمالی، اعمال خردگرایانه کاربران زبان در انزوایی زبان شناختی نیز هستند، بلکه تحت حاکمیت شرایط ایدئولوژیک و اجتماعی گسترده تر جامعه قرار دارند (آفاگل زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۰). اشکال مختلف گفتمان همیشه به عنوان ابزارهایی موثر نه فقط برای حفظ وضع موجود جوامع، بلکه برای ساخت، شکستن ساخت و حتی بازسازی جوامع به کارگرفته شده است. مطالعه و بررسی گفتمان ها به هیچ وجه کامل نخواهد بود، مگر آنکه رابطه آن با زور و خشونت بررسی گردد. گفتمان و زور در کنار و با کمک هم از جمله مهمترین ابزارهایی هستند که توسط آنها مرزهای اجتماعی، سلسله مراتب اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، آرایش نهادها و الگوهای عادات و رفتارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تعیین، اصلاح و تعدیل می شوند و تغییر می یابند (عضدانلو، ۱۳۹۴: ۶۳). از این رو، تحلیل گفتمان، برای درک این روابط الزامی می نماید.

نورمن فرکلاف رویکردش را مطالعه انتقادی زبان می نامد و تاکید می کند که تحلیل انتقادی گفتمان به ما می گوید که تحلیل دقیق متون باید به جزئی مهم از تحلیل های علمی اجتماعی کل اعمال و فرایندهای اجتماعی و فرهنگی تبدیل شود. بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی - و علوم سیاسی - حاضرند در اصول بپذیرند که زندگی اجتماعی بر پایه بنا شده و حول محور زبان شکل گرفته است، اما مشکل از آنجا پیدا می شود که بخواهیم آنان را متقاعد کنیم که در عمل تحلیل متن را باید به عنوان یکی از روش های تحقیق در پیش گیرند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۱۸). فرکلاف در تحلیل گفتمان انتقادی به دنبال این است که نشان دهد رخدادها و متون از دل مناسبات قدرت بیرون می آیند و وارد مبارزات قدرت می شوند. از این منظر، هدف تحلیل گفتمان انتقادی این است که نقش پراکتیس (عمل) های گفتمانی، متون و رخدادهای ارتباطی را در حفظ، بقا و یا تغییر جهان اجتماعی موجود نشان دهد. تحلیل گفتمان انتقادی سعی دارد به نحوی نظام مند کاربرد زبان و متن را در رابطه با پراکتیس اجتماعی گسترده تری تحلیل کند و غالباً به دنبال برملا کردن دانش بدیهی انگاسته شده و طبیعی شده متن است (نوذری و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۴).

در هر تحلیل گفتمانی، دو بعد از گفتمان دارای اهمیت است:

- رخداد ارتباطی: نمونه ای از کاربرد زبان از قبیل مقاله روزنامه، فیلم سینمایی، ویدئو، مصاحبه یا سخنرانی سیاسی.

- نظم گفتمانی: ترکیب بندی تمامی گونه های گفتمانی به کار گرفته شده در یک نهاد یا میدان اجتماعی. مانند نظم گفتمانی رسانه، خدمات درمانی یا بیمارستان.

در یک نظم گفتمانی، عمل های گفتمانی مشخصی وجود دارند که متن و گفت و گو را آن ها تولید و مصرف یا تفسیر می کنند. در هر عمل گفتمانی، یعنی در هر تولید و مصرف متن و گفت و گو، گونه های گفتمانی به شکل خاصی به کار گرفته می شوند. گونه های گفتمانی متشکل از گفتمان ها و ژانرها هستند (محسنی، ۱۳۹۱: ۷۵).

فرکلاف اشاره می کند که تحلیل متن شامل دو گونه تحلیل است که مکمل یکدیگرند، تحلیل زبان شناختی و تحلیل بینامتنی. از نظر او تحلیل زبان شناختی دامنه گسترده دارد که علاوه بر سطوح متعارف آن (نظیر واج شناسی، دستور زبان تا حد تحلیل جمله و واژگان و معناشناسی)، مسائل فراتر از حد جمله مانند انسجام بین جمله ای در متن را نیز تحلیل می

کند(فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۲۱). تحلیل زبان شناختی نشان می دهد که چگونه متون از نظام های زبانی به نحو گزینش گرانه بهره برداری می گیرند، حال آن که تحلیل بینامتنی نشان می دهد که متون چگونه از نظم های گفتمان به نحوی گزینش گرانه استفاده می کنند. یعنی ترکیب خاصی از روش های قراردادی شده نظیر ژانرهای ادبی یا هنری، گفتمان ها، روایت ها و غیره که در شرایط خاص اجتماعی در دسترس تولیدکنندگان و مفسران متن قرار داد. تحلیل بینامتنی را در نظم های گفتمان(شامل ژانرهای ادبی، هنری و گفتمان ها و غیره) ممکن می سازند. بنابراین تحلیل بینامتنی بر شرح و توصیف هایی در باره ی ژانرها و انواع مختلف گفتمان دلالت دارد(فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۲۲).

در الگوی نظری که نورمن فرکلاف برای تحلیل انتقادی گفتمان فراهم کرده است، ایدئولوژی عامل تعیین کننده است، زیرا اعمال قدرت در جوامع مدرن، به طور روزافزونی از طریق ایدئولوژی و به ویژه از طریق کارکردهای ایدئولوژیک زبان صورت می گیرد(سلطانی، ۱۳۸۴: ۳۲). ایدئولوژی در نظر فرکلاف عبارت از معنا در خدمت قدرت است. به عبارت دقیق تر، ایدئولوژی ها از نظر او برساخته هایی معنایی اند که به تولید و دگرگونی مناسبات سلطه کمک می کنند. ایدئولوژی در جوامعی به وجود می آید که در آن ها مناسبات سلطه بر ساختارهای اجتماعی از قبیل طبقه و جنسیت مبتنی باشد. بنا به تعریف فرکلاف، گفتمان ها می توانند کم و بیش ایدئولوژیک باشند. گفتمان های ایدئولوژیک آنهایی هستند که به حفظ و دگرگونی مناسبات قدرت کمک می کنند(یورگنسن و فلیپس، ۱۳۸۹: ۱۳۰). با وجود برداشت های متفاوت از ایدئولوژی، از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، مفهوم «ایدئولوژی» برای درک علمی گفتمان مفهومی کلیدی است، زیرا ایدئولوژی متضمن بازنمود جهان از دید منافی خاص و ابزار ایجاد و حفظ روابط نابرابر قدرت در جامعه است. این کار به کمک زبان صورت می گیرد هرچند دسترسی ما به واقعیت همواره از طریق زبان صورت می گیرد، اما زبان بازتابی خنثی از واقعیتی از پیش موجود، نیست بلکه صرفا بازنمایی هایی از واقعیت خلق می کند و در ساختن آن نقش دارد. فرکلاف در این باره معتقد است که ایدئولوژی پیوستگی نزدیکی با زبان دارد. استفاده از زبان معمول ترین شکل رفتار اجتماعی است. همین جا است که روی مفروضات عقل سلیم تکیه می کنیم. اعمال قدرت در جوامع نوین به طور روزافزونی از طریق ایدئولوژی بویژه از طریق کارکرد های ایدئولوژیک زبان صورت می گیرد(محسنی، ۱۳۹۱: ۶۷).

۳. روش شناسی پژوهش

روش پژوهش کیفی است. در این پژوهش، تعداد ۹۰ مقاله از مقالات منتشره روزنامه کردستان در سال های ۲۵-۱۳۲۴، بر مبنای تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. تحلیل گفتمانی به نظر فرکلاف باید بتواند تعاملات میان متن و بیرون متن را پوشش دهد. در این خصوص، فرکلاف مطالعه خود را طی انجام سه مرحله سامان می بخشد: توصیف، تفسیر و تبیین.

- توصیف: به مرحله ای اطلاق می شود که تحلیل گر ویژگی های صوری متن را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد. فرکلاف، پژوهش در متن را در سه سطح واژگان، ساختارهای نحوی و ساختار متن تعقیب می کند. در هریک از این سطوح، سئوالاتی حول همان سه وجه کنترلی مطرح می شوند(تاجیک، ۱۳۹۰: ۲۷۸).

- تفسیر: مرحله تفسیر بر این باور متکی است که مولف متن و مخاطب متن هر دو اذهانی بارور و فربه از گفتمان های جاری در محیط اند. متن در زمینه ای تولید شده و تفسیر می شود که آن گفتمان ها بر آن تسلط دارند. متن در یک فضای خالی مطلق نیست، به قول فرکلاف، مولد و مفسر دارای ذخایر و منابع ذهنی اند. باید نسبت میان متن و این ذخایر را نشان داد. از سوی دیگر، تفسیر متن مبتنی بر این باور است که متن به خودی خود با زمینه و ساختار اجتماعی پیوند ندارد، بلکه متن خود بخشی از یک گفتمان است و از طریق آن با ساختارهای اجتماعی پیوند برقرار می کند(تاجیک، ۱۳۹۰: ۲۸۱).

- تبیین: هر رخداد ارتباطی دارای پراکتیس اجتماعی است. فرکلاف در تبیین بدنبال بیان شالوده اجتماعی و نظریات اجتماعی است که در شکل گیری گفتمان ها نقش دارند. در حالی که تفسیر چگونگی بهره جستن از دانش زمینه ای در پردازش گفتمان را مورد توجه قرار می دهد، تبیین شالوده اجتماعی و تغییرات دانش زمینه ای و البته باز تولید آن در جریان کنش گفتمانی می پردازد(فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵). در تحلیل مقالات روزنامه کردستان، الگویی از سه مرحله یادشده استخراج شده و بر مبنای آنها، متون تحلیل شده اند.

۴- تجزیه و تحلیل داده ها

۴-۱. تحلیل گفتمان انتقادی روزنامه کردستان

روزنامه کردستان با مدیریت مسؤلی و سردبیری سیدمحمد حمیدی با چاپ شماره اول آن در تاریخ بیست و دوم دیماه ۱۳۲۴، آغاز به کار کرد. روزنامه هم ارگان رسمی حزب دمکرات کردستان و هم جمهوری کردستان بود. ولی از شماره ۶۵ به بعد با فروپاشی جمهوری، به ارگان رسمی حزب تبدیل شد. روزنامه در محدوده قلمرو جمهوری کردستان، از جمله در شهرهای نرده، اشنویه، ماکو، خوی، سلماس (شاهپور)، سوما، سندوس، اورمیه، پیرانشهر، میاندوآب، بوکان و مهاباد عرضه و توزیع شده است.

داده های بدست آمده از تحلیل گفتمان انتقادی ۹۰ مقاله بررسی شده در روزنامه کردستان، از تنوع زیادی برخوردار است. این تنوع در نگاه اولیه نشان دهنده آن است که روزنامه کردستان - در سال های ۲۵-۱۳۲۴- مرجع قابل توجهی برای شناخت تاریخ این دوره، و خصوصاً جمهوری کردستان است. روزنامه کردستان در حدود ۱۱۳ شماره منتشر شده، ولی تنها ۸۲ شماره آن در دسترس است و مجموعه آنها در یک مجلد در اقلیم کردستان عراق و به صورت مشترک، توسط انتشارات آراس و ژین در سال ۲۰۰۷ در هولیر (ارییل) مرکز اقلیم کردستان، منتشر شده است (رفیق و صدیق، ۲۰۰۷). هیمداد حسین، در کتاب «روزنامه نگاری کردی در عصر جمهوری کردستان» معتقد است که انتشار روزنامه کردستان، یکی از کارهای مهم و ارزشمند جمهوری کردستان است. این امر در جهان روزنامه نگاری کردی از نظر وی شروع یک تحول جدید بود. از جمله ویژگی های مهمی که وی در مورد روزنامه کردستان به آن اشاره کرده، این است که تمام مصاحبه ها، اقدامات، اخبار و فعالیت های قاضی محمد در آن مندرج و منتشر شده است. بنابراین، می توان به عنوان یکی از معتبرترین منابع مطالعه در مورد قاضی محمد و جمهوری کردستان به آن نگریست و از آن استفاده کرد (حسین، ۲۰۰۲: ۱۴۱).

۲-۴. روزنامه کردستان از منظر فرکلاف

روزنامه کردستان و مقالات مورد بررسی آن، از دیدگاه فرکلاف جزو رخدادهای ارتباطی است که نشاندهنده بخشی از روابط قدرت در جمهوری کردستان است. ژانر متون مورد بررسی در روزنامه کردستان، عمدتاً ژورنالیستی است که در آن اکثر متون به صورت مقالات خبری و تحلیلی، تعدادی از متون به صورت اطلاعیه، مصاحبه خبری، خبر و تحلیل خبر و گزارش خبری است. علاوه بر آن، نظم گفتمانی روزنامه، رسانه ای است و در این فضا است که می توان از وجود یا عدم وجود گفتمان دولت ستیزی در تجربه جمهوری کردستان گفتگو کرد. بر اساس

مدل فرکلاف، ابتدا مفاهیم اساسی و مهم برآمده از متن های مورد بررسی بحث و سپس گفتمان های اصلی مطرح شده مورد تحلیل انتقادی قرار می گیرند.

۳-۴. واژه های مهم و کلیدی

از میان واژه ها و مفاهیم مهم و اساسی که دارای بیشترین تکرار بوده اند، در مقاله هایی که مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته اند، می توان از ده واژه ی اصلی نام برد که به نسبت واژه های دیگر، بیشترین تکرار را داشته اند که عبارتند: از مفاهیم آزادی، دموکراسی، استبداد و دیکتاتوری، دشمن و بیگانه، ظلم و ظالمان، اتحاد و برادری، پیشرفت و ترقی، استعمار و استعمارگران، استقلال و حقوق بشر. البته باید یادآوری کرد که در شمارش تعداد تکرار هر یک از واژه ها و مفاهیم کلیدی، در هر مقاله مثلاً واژه آزادی یک بار ثبت شده است، علیرغم اینکه ممکن است در آن متن، چند بار دیگر هم این واژه استفاده شده باشد.

ردیف	مفهوم	تکرار
۱	آزادی	۶۷
۲	دموکراسی	۳۳
۳	استبداد/ دیکتاتوری	۳۳
۴	بیگانه/ دشمن	۲۸
۵	ظلم و ظالمان	۲۴
۶	اتحاد و برادری	۲۴
۷	پیشرفت و ترقی	۲۳
۸	استعمار/ استعمارگران	۲۳
۹	استقلال	۱۷
۱۰	حقوق بشر	۱۴

جدول ۱: ده مفهوم و واژه ی مهمی که در مقالات مورد بررسی تکرار شده اند.

این مفاهیم و اهمیت هریک از آن ها در نقشی که در گفتمان های مطرح در روزنامه کردستان داشته اند، قابل بررسی و توجه جدی هستند، زیرا بر مبنای این مفاهیم است که می

توان با توجه به اولویت بکارگیری و تکرار آن در مقالات منتشره، به اهمیت گفتمانی روزنامه در جنبش کردها در مقطع زمانی سال های ۲۵-۱۳۲۴ پی برد.

در بررسی داده های جدول، مشخص می شود که واژه های مهم و کلیدی مقالات مورد بررسی، به دو منظر گفتمانی متفاوت تعلق دارند. مفاهیم آزادی، دموکراسی، اتحاد و برادری، پیشرفت و ترقی، استقلال و حقوق بشر، بیشتر بر مدار جنبشی می گردد که در فردای تشکیل جمهوری کردستان در مه‌آباد، برجسته شدند. در مقابل آن یا دیگری این نگرش، واژه های کلیدی باقی مانده در این لیست است که عبارتند از استبداد و دیکتاتوری، بیگانه و دشمن، ظلم و ظالمان و استعمار و استعمارگران. این واژه ها به صورت کلی در مقابل نظام حاکم، رضاشاه و وابستگان دربار، نظامیان مرکزی و عوامل محلی آنها بکاربرده شده اند. بیشترین میزان تکرار در مسائل مطرح شده در روزنامه کردستان مربوط به استبداد، ظلم و ستم به مردم کرد و زبان کردی است. به نظر می رسد پاسخ سوال اینکه مسأله کردها چیست؟ به همین موضوعات بر می گردد. از این منظر است که می توان ادعا کرد در تجربه جمهوری کردستان، ضرورت تأسیس دولت کردی مستقل بر یک مبنای نظری و فلسفی مطرح نشده است.

از منظر روزنامه کردستان و مقالات مورد بررسی، مفهوم آزادی در برابر استبداد و دیکتاتوری قرار داشته و به این معنا بیشتر بکاررفته است. از این رو، می توان گفت که مفهوم آزادی، از پشتوانه نظری محکمی برخوردار نبوده است. به نظر می رسد که تنها به صرف عدم حضور فیزیکی استبداد یا نیروهای وابسته به آن در منطقه بسنده شده و آن را تحقق آزادی تلقی کرده اند. از شماره اول روزنامه کردستان، می توان نمودهای عینی تصور و درکی که از استبداد وجود داشته است، را مشاهده کرد. مثلاً در مقاله آرمان ما، به قلم سید محمد حمیدی به تاریخ ۱۳۲۴/۱۰/۲۰، در صفحه اول بحث استبداد در ایران مطرح شده است. در این مقاله از فروپاشی استبداد رضاشاه، به عنوان «رهایی از اسارت» تعبیر شده است. یعنی به بعد سلبی آزادی نظر داشته است.

در تعدادی از متون و مقالات مورد بررسی، هرگاه از واژه های استبداد/ دیکتاتوری، بیگانه/ دشمن، ظلم و ظالمان و استعمار استفاده شده است، در کنار آن مظالم این طیف بر مردم ایران و مخصوصاً بر مردم کرد بازگویی شده است و تأثیر آن ها بر زندگی مردم و مخصوصاً نقش تخریبی آن بحث شده است. در حالیکه در مقابل آن دولت و حکومت که قوای اجرایی و نخست

وزیر و وزرای آن است، از این مجموعه تفکیک شده و رابطه معناداری با آن ها به عنوان مبنای قابل قبول حاکمیت ایران، وجود داشته است.

مفهوم دموکراسی دومین مفهوم پر تکرار در این مجموعه است که به فاصله نسبتاً زیادی از مفهوم آزادی و البته در رتبه دوم قرار گرفته است. در متون مختلفی که مفهوم دموکراسی مطرح شده است، از دموکراسی با تعبیر ادبی و آرمانی سخن رفته است که آن را برابر با نبود ستم و استبداد از یک سو و وجود آزادی از سوی دیگر تلقی کرده اند. پیداست این تلقی، معنای دموکراسی موجود در آن دوره در غرب را نمی رساند.

مفهوم سوم در این مجموعه، پیشرفت و ترقی است که در ارتباط معنایی با آزادی و دموکراسی است و به عنوان بخشی از گفتمان حاکم در جمهوری کردستان قابل بحث است. از ابتدای اعلام جمهوری یکی از سیاست های اعلام شده حکومت، زمینه سازی و حمایت از هرگونه فعالیت در زمینه پیشرفت دانش و فن در کردستان است.

در نهایت مفهوم استقلال است که اگرچه نسبت به مفاهیم دیگر در رده پایین تری از تکرار در مقالات مورد بررسی در روزنامه کردستان قرار دارد، اما از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا محور اصلی موضوع مقاله است. بررسی محتوای معنایی این مفهوم را در ابتدا بایستی از زبان دولتمردان، مخصوصاً قاضی محمد به عنوان رئیس جمهور کردستان آغاز کرد. در ابتدای امر، به نظر می رسد که روزنامه کردستان در هیچ یک از شماره های خود، از استقلال کردستان به عنوان خواست و هدف خود در این مرحله از جنبش کردها نام نبرده است، در حالی که خودمختاری را مانند حقی که بدست آمده است، مطرح نموده و تلاش کرده است آن را در قانون اساسی ایران بگنجانند.

در مورد نویسندگانی که دیدگاه های آن ها در روزنامه مطرح شده است، بایستی در نظر داشت که در تحلیل نویسندگان حزبی و فعال در حوزه قدرت با نویسندگان خارج از آن، تفاوت وجود دارد. به این معنی که افراد خارج از حوزه قدرت، قدری بی پروا مثلاً در مورد استقلال صحبت می کنند اما افراد حزبی و دولتی با تأمل تر و چهارچوب دار در این زمینه صحبت می کنند. گروه اول، فارغ از واقعیت های موجود سیاسی، حتی شعارهایی را مطرح می کنند که به شدت ایده الی است و از بستر واقعی جامعه بسیار دور است. بنابراین، سنخیتی میان سخنان آنان که به صورت خوشبینانه اظهار نظر می کنند با واقعیت های موجود، وجود ندارد. یک

تفاوت دیگر، تفاوت میان نویسندگان کرد ایرانی و نویسندگان کرد عراقی است. نویسندگان عراقی بسیار متفاوت از نویسندگان کرد ایرانی مقالات خود را نوشته اند. از این رو نمی توان دیدگاه آنان را که معمولاً با صراحت از استقلال کردستان و اتکای به پیمان های آتلانتیک و ... می نویسند، مترادف با دیدگاه نویسندگان کرد ایرانی قلمداد کرد.

با در نظر داشت تفاوت های یاد شده، دیدگاه های قاضی محمد در ارتباط با استقلال و خود مختاری، مطرح می شود. جمعی از خبرنگاران و مدیران جراید تهران آقایان تفضلی از روزنامه «ایران ما»، عباس شاهنده از روزنامه «فرمان» و بزرگ علوی از روزنامه «رهبر» در تهران با قاضی محمد مصاحبه ای ترتیب داده که در شماره های ۲۱ و ۲۰ روزنامه کردستان به تاریخ های ۲۰ و ۲۴/۱۰/۲۲ و در صفحات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ منتشر شده است. در این مصاحبه، سئوالات متعددی از قاضی محمد پرسیده اند. در پرسش از استقلال، قاضی محمد پاسخ می دهد که: «ما استقلال نمی خواهیم، بلکه اجرای قانون اساسی و خودمختاری را در زیر حاکمیت ایران می خواهیم. اکنون چهار سال است که خودمختار هستیم. وی با تأکید بر تشکیل انجمن ایالتی و ولایتی کردستان و بکارگیری نیروهای محلی در مسئولیت های اجرایی، بر برادری و برابری شهروندان ایرانی تأکید می کند. وی خواسته ها را تنها در چهارچوب کردهای ایران مطرح می کند. قاضی محمد از برقرار بودن ارتباط با دولت مرکزی سخن می گوید و اینکه دو بار جهت گفتگو شخصا در تهران به دیدار با شاه رفته است و خواسته های مردم را با وی درمیان گذاشته و گفته است که بجای فرستادن توپ و تانک بر سر مردم، اجازه دهند تا به وضعیت بهداشتی و فرهنگی مردم رسیدگی شود و از طریق مسالمت آمیز تلاش کنیم تا دموکراسی و آزادی را برای همه ی مردم ایران تأمین کنیم». قاضی محمد با بیان این امر که چهار سال است منطقه، زیر کنترل دولت نیست و در عمل اداره مهاباد را به صورت مستقیم به قاضی محمد سپرده و دولت حضوری در منطقه ندارد و در واقع خودمختار است، با وصف این امر، از خواست خودمختاری و تأمین نیازهای منطقه بر مبنای آن، دفاع می کند و به نفی استقلال می پردازد.

در گزارش سخنرانی قاضی محمد در مراسم اعلام جمهوری کردستان که توسط سید محمد حمیدی تهیه و در تاریخ های ۱۳۲۴/۱۱/۱۵ و ۱۳۲۴/۱۱/۱۷ در دو شماره ی ۱۰ و ۱۱ صفحات ۴ و ۱۰ روزنامه کردستان منتشر شده است، ضمن بر شمردن موقعیت نامناسب کردستان در دوره های تاریخی قبل تا دوره ی رضاشاه پهلوی، بر ظلمی که حکومت های استبدادی در گذشته بر مردم کرد روا داشته اند، تأکید کرده است. قاضی محمد در این

سخنرانی به صورت آشکار از استقلال صحبت می کند. آیا این ادعا با ادعای سخنرانی قبل در تضاد است؟ به نظر می رسد که پاسخ هم مثبت است هم منفی. مثبت است زیرا از واژه استقلال و آزادی همزمان استفاده شده است. باید در نظر داشت که در هنگام تشکیل دولت خودمختار آذربایجان، تبریز حاضر نبود کیان مستقلی برای کردها در نظر گرفته شود. از این رو، تأکید داشتند که بایستی مه‌آباد و کردستان تابع تبریز باشند. از سوی دیگر قاضی محمد و هیأت کردهای اعزامی به باکو، از یک کیان مستقل کردی حمایت می کردند و انتظار داشتند که آن‌ها برای خود مستقل تصمیم بگیرند. ایده استقلال در واقع مربوط به این خواست است و وقتی که جمهوری کردستان تشکیل می شود، مردم از عید استقلال بحث می کنند و برای آن نشست‌های گوناگون برگزار می شود. این امر از دیدگاه قاضی محمد و نهادهای موجود سیاسی در آن دوره و نیز مردم به معنای وجود یک کیان مستقل از آذربایجان معنا می یابد، وگرنه، قابل درک است که هم قاضی محمد و مردم، می دانستند که با وجود محصور بودن و در عمل محاصره بودن جمهوری کردستان، نمی توان یک کیان سیاسی مستقل با مرز مشخص، ایجاد کرد. بنابراین می توان گفت که در واقع تناقضی وجود ندارد. عباس ولی در این زمینه معتقد است که: «شوروی‌ها هیچ تمایلی به تاسیس یک حزب ملی گرا و مردمی جهت پایه ریزی حکومت خودمختار کردستان در مه‌آباد نداشتند.» «یگلتون» از جمله معدود محققینی است که به نارضایتی شوروی‌ها در خصوص اعلام استقلال جمهوری از سوی کردهای ناسیونالیست اشاره کرده است. پیشه‌وری و حامیانش در شوروی، به قاضی محمد و همراهانش در راس حزب دمکرات کردستان ایران در خصوص طرح خودمختاری کردها هشدار داده بودند و از آن‌ها خواسته بودند که تحت لوای حاکمیت جمهوری آذربایجان که قرار بود از سوی حکومت تهران به رسمیت شناخته شود، باقی بمانند. ولی ملی‌گرایان کرد همواره قبل از اعلان جمهوری دمکرات آذربایجان در ۱۲ نوامبر ۱۹۴۵ در ملاقات دوم خود از باکو در اواخر سپتامبر همان سال از شوروی‌ها و آذری‌ها خواستار یک موافقت رسمی در خصوص تأسیس حکومت خودمختار کردستان بودند» (Vali, 2011: 52). دکتر ولی ادامه می دهد و معتقد است که روس‌ها نه تنها خواست‌های ملی‌گرایان کرد را مسکوت گذاشته بودند، بلکه زیر پای آن‌ها را خالی کرده بودند. چنانکه آن‌ها را هم چون ورق بازی در اختیار پیشه‌وری قراردادند تا در چانه زنی سیاسی با قوام از آن بهره‌گیرد. حتی معاهده ی فیروز- پیشه‌وری، خواست‌های

کردها را نادیده گرفته بود. طبق ماده ۱۳ معاهده نامه مذبور، کردها ساکن آذربایجان بوده و بدین وسیله هویت ملی آن ها نادیده گرفته شده بود (Vali, 2011:60).

بار دیگر، قاضی محمد طی سخنرانی در جمع مردم مهاباد و سران عشایر کرد که در مهاباد حضور داشتند و در شماره ی ۵۱ روزنامه کردستان (۱۳۲۵/۳/۸) در صفحات ۱ و ۴ منتشر شده است، ضمن برشمردن تغییراتی که در وضعیت کردها ایجاد شده است، چنین می گوید: «ما که استقلال تام و تمام خود را به دست آورده ایم، برای اینکه به حکومت مرکزی نشان دهیم و به دنیا ثابت کنیم که این کارهایی که کرده ایم نه از این روست که ما از برادری ملت فارس دست کشیده یا به ایرانیت افتخار نکنیم، بلکه فقط محض مخالفت با دستگاه استبدادی حکومت تهران است چون آن چه بر سر ما آورده اند چه قبل از رضاخان و چه در زمان او و چه بعد از آن تا حال، چنگیز و مغول نیز بر سر کسی نیاورده است».

غیر از قاضی محمد که به عنوان رئیس جمهور کردستان، بیانگر دیدگاه رسمی جمهوری محسوب می شود، شخصیت ها و نویسندگان دیگری هم در این زمینه اظهار نظر کرده اند. این شخصیت ها یا از جمله نویسندگان و مقامات سیاسی کردستان ایران بوده اند یا از کردهای عراقی بوده اند. زیر تاثیر روندهای جهانی و تحولات منطقه بعد از جنگ دوم جهانی، این افراد را می توان به عنوان کسانی دسته بندی کرد که فراتر از مرزهای ایران می اندیشیده اند و از ایده ی استقلال کردستان صحبت کرده اند. نگاه اینان بیشتر به پیمان آتلانتیک و قدرت های بزرگ مخصوصاً شوروی بوده است. فضای اندیشه ای حاکم بر مقالات و مواضع این دسته، بر پایه انتظاری است که از قدرت های بزرگ می رفته تا در امور داخلی ایران دخالت کنند و موجب گذار از استبداد به دموکراسی شوند. از این رو، یا به تحولات داخلی چندان اهمیت نمی داده اند یا از هرگونه تغییری در سیستم حاکمیتی ایران مأیوس بوده اند. از جمله می توان به کسانی چون احمد الهی از مقامات عالی رتبه جمهوری کردستان، محمد محمود از کردهای عراقی، محمد امین شیخ الاسلامی - مشهور به استاد هیمن - و انور دلسوز از کردهای روشنفکر و مارکسیست عراقی، در این زمینه اشاره کرد.

در مجموع از بررسی متون مقالات شخصیت های یادشده چنین بر می آید که وقتی سطح تحلیل آن ها تاریخی و منطقه ای است، موضوع استقلال نزد آن ها برجسته تر است، مخصوصاً برای کردهای عراقی که در کردستان ایران - محدوده جمهوری کردستان - حضور داشته اند. اما وقتی سطح تحلیل ایران است، در متن ایران بحث ها همچنان در چهارچوب حاکمیت ایران و

از منظر خودمختاری است. حتی برخی از نویسندگان کرد ایرانی وقتی از آزادی و استقلال بحث می کنند، بیشتر به خودمختاری نظر داشته اند تا استقلال به مفهوم جدایی.

۴-۴. گفتمان های مطرح در روزنامه کردستان

با توجه به مفاهیم کلیدی مطرح شده، ده گفتمان اصلی که در مقالات بررسی شده مطرح شده اند و از تکرار بیشتری به نسبت دیگران برخوردار بوده اند را می توان در جدول زیر مورد توجه قرار داد و به بررسی مهمترین آن ها پرداخت.

ردیف	گفتمان های اصلی	تکرار
۱	آزادی	۶۶
۲	ناسیونالیسم کردی	۴۳
۳	مذهبی/ دینی	۴۱
۴	مکراسی	۳۸
۵	استبداد/ دیکتاتوری	۳۳
۶	بیگانه/ دشمن	۳۲
۷	تاریخی	۲۹
۸	استعمار	۲۷
۹	پیشرفت و ترقی	۲۳
۱۰	صلح	۲۲

جدول ۲: ده گفتمان اصلی مطرح شده در مقالات و تعداد تکرار آن ها

با توجه به داده های جدول ۲، مهمترین گفتمان مطرح شده در متون مورد بررسی، آزادی و آزادیخواهی است. بدنبال آن گفتمان ناسیونالیسم کردی مطرح شده است که به عنوان واقعیتی قابل درک در متون خودنمایی کرده است. بعد از آن گفتمان دینی و مذهبی مطرح شده و در مرتبه چهارم است که گفتمان دموکراسی مطرح شده است. گفتمان های استبداد- دیکتاتوری، بیگانه- دشمن و استعمار نیز، گفتمان های مقابل گفتمان های اصلی مطرح شده در ردیف های

اول تا چهارم است. چنانکه ملاحظه می شود، گفتمان استقلال از تعداد تکرار کمتری نسبت به گفتمان های اصلی برخوردار شده است و از این نظر می توان آن ها را به عنوان گفتمان های فرعی محسوب کرد.

۱-۴-۴. گفتمان آزادی

در بررسی مقالات روزنامه کردستان، گفتمان آزادی از نظر ماهیت در برابر گفتمان استبدادی و دیکتاتوری قرار داشته و به این معنا بیشتر بکار رفته است. به لحاظ نظری می توان گفت که در متون آن دوره، گفتمان آزادی فاقد پشتوانه نظری محکمی بوده است. به نظر می رسد که تنها به صرف عدم حضور فیزیکی استبداد یا نیروهای وابسته به آن در منطقه بسنده شده و آن را به منزله تحقق آزادی تلقی کرده اند. گفتمان آزادی در جمهوری کردستان، در ارتباط با مفهوم دموکراسی مطرح شده و با آن نظم گفتمانی جمهوری شکل گرفته است. سید محمد حمیدی در شماره ۵۳ روزنامه کردستان (۱۳۲۵/۳/۱۳) در صفحه اول، می نویسد که: « آزادی بدست آمده خود را حفظ می کنیم و به همه مردم ایران خواهیم داد». این امر نشان دهنده نوع نگرش گفتمانی است که در تجربه جمهوری وجود داشته است. یعنی این اعتقاد وجود داشته که موضوع نبود آزادی در ایران یک موضوع جدی است و باید برای آن تلاش کرد. نمونه دیگر در شماره ۸۸ روزنامه (۱۳۲۵/۶/۲۸) در صفحه اول در مطلبی با عنوان «در مدتی کم، کردستان به کانون دموکراسی تبدیل می شود»، سید محمد حمیدی پیشگویی می کند که: «کردستان در مدت کم و در آینده نزدیک، به مهد دموکراسی تبدیل می شود، کردستان توسعه می یابد و مردم کرد در خوشبختی و سعادت زندگی خواهند کرد». اگرچه این پیشگویی تحقق چندانی نیافت، اما نشان از آن دارد که از نظر گردانندگان روزنامه کردستان و دیگر نویسندگان آن، رابطه ای مستقیم میان تحقق آزادی و دموکراسی در کردستان و ایران وجود دارد که از نشانه های جدی گفتمان لیبرالی محسوب می شود.

۲-۴-۴. گفتمان ناسیونالیسم کردی

آندرسون و گلنر استدلال می کنند که ملت، محصول توسعه و پیشرفت های اقتصادی و تکنولوژیکی دوران اخیر است. مشاهدات گلنر در باب شکاف و اختلاف فرهنگی نخبگان جدا شده از مناطق روستایی در جامعه های کشاورزی- تحصیل کرده به طور مشخص، در مورد کردها هم صادق است. وان برونسن معتقد است که اگر چه ناسیونالیسم کردی به وسیله خیزش های اقتصادی و اجتماعی و مهاجرت کارگران به مناطق صنعتی که گلنر آن ها را به

عنوان عامل اصلی می بیند به وجود نیامده، اما به طور مشخص مدیون تقاضاهای توده ای برای آن ها است. ارتباطات مدرن، چاپ و نشر و رادیو، وسیله ای برای ایجاد ملت کردی به معنای اجتماع متصوردر اختیار آن ها قرار می دهد، اجتماعی از مردم که هیچ کدام به طور چهره به چهره همدیگر را ملاقات نمی کنند اما هر کدام از آن ها می دانند که وجود دارند و دوست دارند خودشان باشند(برونسن، ۱۳۸۳: ۵۶). بر مبنای استدلال برونسن، می توان گفت که ناسیونالیسم کردی، سیاست های تاکید بر هویت ملی کردی است. هویت ملی کردی محصولی است از مدرنیته که علی رغم شکل ویژه آن، به طریقی ویژه و نزدیک، مرتبط به نهاد مدرن دولت- ملت است و ریشه های آن به فرایندهای سیاسی و فرهنگی و کنش های مرتبط با ایجاد دولت - ملت مدرن و هویت ملی در جوامع چند قومی و چند فرهنگی ترکیه، ایران، عراق و سوریه در دوره بین دو جنگ جهانی بر می گردد (ولی، ۱۳۸۳: ۳). کردهای ایران یک اجتماع قومی- زبانی در درون قلمرو سیاسی حاکمیت ایران هستند. از آغاز شکل گیری دولت مدرن در ایران، قومیت و زبان کردی مرزهای این اجتماع را معین کرده است، یعنی از زمانی که این دو وجهه از هویت کردی به ابژه سرکوب و منع حاکم تبدیل شدند(ولی، ۱۳۹۷: ۵).

از دید عباس ولی، مرزهای این قلمرو پنج قرن پیش تعیین شده بودند، زمانی که دولت عثمانی در جریان گسترش به سمت شرق با دولت تازه تأسیس صفوی روبرو شد. شکست صفوی ها در جنگ چالدران در سال ۱۵۱۴ میلادی/۸۹۳ شمسی باعث شد تا آن ها قلمروهای کردی امپراطوری خود را از دست بدهند. بعدها در معاهده زهاب در ماه مه ۱۶۳۹ میلادی، این مناطق به طور قانونی به عثمانی واگذار شد و مرزهای مشترکی تعیین شد که تقریباً بدون تغییر تا به امروز باقی مانده اند. این مرزها در واقع قلمرو کردی ایران را تعیین کردند و آن را از قلمروهای کردنشین ترکیه و عراق، جدا کرد. در طول پنج قرن گذشته بهترین دوران برای مناطق کردنشین دورانی بود که این مناطق توسط شاهزاده نشین های نیمه مستقل اداره می شد و رابطه خراجگزارانه با دولت ایران، که بالاترین مقام آن، حاکم مطلق بود، داشتند. شاهزاده نشین های کرد در اواخر قرن نوزدهم به دلیل ترکیبی از انحطاط داخلی و فشارهای بیرونی مرتبط با روندها و اعمال تمرکزگرای دولت قاجار، به مرور تحلیل رفتند و در نهایت نابود شدند. انقلاب مشروطه که فراتر از هر چیز، با ایجاد محدودیت قانونی برای حاکم و مطلقه، تفکیک قوا، برگزاری انتخابات و حکومت سکولار تعریف می شد، سرآغاز شکل گیری دولت مدرن بود اما سه

دهه سرنوشت‌ساز طول کشید تا دولت مدرن توانست قدرت مدرن خود را بر مبنای جدید استوار کند و گونه‌ای موثر حاکمیت خود را بر سرتاسر قلمرو خود اعمال سازد (ولی، ۱۳۹۷: ۶). در واقع، ملی‌گرایی کردی در ایران، پدیده‌ای مدرن بوده و پیامد جابجایی‌های فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی ناشی از مدرنیته‌ی ناقص و آماسیده‌ای است که پس از روی کار آمدن و ظهور استبداد پهلوی، پس از جنگ جهانی اول ایران را فرا گرفت. واکنش کردها در برابر سیاست‌های تمرکزگرایانه و فرایندهای مربوط به این هویت ملی یکدست ایرانی که به وسیله حکومت پهلوی دنبال می‌شد، شرایط گفتمانی مربوط به جنبش ملی‌گرای کرد را فراهم نمود که در تاسیس جمهوری کردستان به اوج خود رسید. از نظر دکتر ولی، روابط تاریخی میان توسعه دولت مدرن ایران از یک سو و تغییر ساختار جامعه‌ی کردستان از سوی دیگر، عامل‌های اساسی بودند که جنبش ملی‌گرای کرد را به حرکت درآوردند. طوریکه در سال‌های ۲۵-۱۳۲۴ در مهاباد موجودیت یافته و سپس در سال‌های بعد هم چنان در منطقه گسترش یافت (Vali, 2011:114). در یک گزاره کلی، حمزه محمدی از نویسندگان و محققان کنونی کرد، دیدگاه عباس ولی را تأیید می‌کند و معتقد است که گفتمان مسلط کردی، درون مایه ناسیونالیستی داشت و خواهان دست‌یابی به قدرت در مقیاس کوچک و در چهارچوب حاکمیت ملی ایران بود (محمدی، ۱۳۶۹: ۱۱۶). علاوه بر آن، در مقالات روزنامه کردستان تلاش بر آن است که رویکرد ملی‌گرایانه بر اساس جایگاه کردها در تاریخ و سیاست ایران معاصر مطرح شود یا اینکه سربرآوردن جمهوری را با عباراتی چون حقوق مدنی و حق دمکراتیک کردها توجیه کنند. گفتمان ملی‌گرایانه در آغاز بیشتر بر خواست‌های عاطفی نسبت به نظریات قوم‌گرایانه سیاسی و نظریه‌های حقوق طبیعی استوار بود و فاقد لغات مفهومی بود (Vali, 2011:91).

۳-۴-۴. گفتمان مذهبی

در مورد سکولار بودن یا نبودن تجربه جمهوری کردستان، البته نظر متفاوت وجود دارد. این امر دقیقاً مشخص نیست، اما قدر مسلم هم مردم، هم مسؤولان و شخص قاضی محمد در جمهوری کردستان شخصیت‌های مذهبی و پایبند به مقررات مذهبی خود بوده‌اند. از این نظر نمی‌توان با قطعیت گفت که تجربه جمهوری کاملاً سکولار بوده است. موارد متعددی در روزنامه کردستان وجود دارد که اجرای احکام شرع اسلام در جمهوری کردستان درخواست

شده است، مسؤولیت دادگستری هم با ملا حسین مجدی، از علمای مطرح این زمان در مهاباد بوده است.

سید محمد حمیدی در شماره دوم روزنامه کردستان (۱۳۲۴/۱۰/۲۲) در صفحه چهارم بحثی از گفتمان دینی به میان آورده است. وی با استناد از آیات قرآن، اشاره دارد به اینکه در شرایط سخت پیامبران نیز از خداوند درخواست کرده اند که چه وقت کمک و یاری خداوند شامل آن ها خواهد شد؟ این شرایط را نویسنده با وضعیت کردستان در دوره جمهوری کردستان مقایسه کرده و معتقد است کردستان اکنون در این شرایط قرار دارد و با کمک خداوند، آزادی در کردستان تحقق یافته و اکنون هنگام آن است که کردستان نیز شکر این موفقیت را بجا آورد. نویسنده پیشنهادهایی برای آن مطرح کرده است که عبارتند از: «خداوند کمک کرده است و اکنون رشته ی امور در دست خودمان است، پس بایستی هر چه زودتر زیر ساختی را فراهم آوریم که هیچ نیرویی دیگر قادر به از میان بردن آن نباشد. بیشتر از همه چیز بایستی از دین نگهداری کرد و قوانین بایستی با مقررات دینی تطبیق داشته باشد. به استناد سوره نصر که وقتی خداوند یاری داد و غم و اندوه از سر ما رفت، بایستی شکر نعمت بجا آوریم، این شکر نعمت بجا آورده نمی شود مگر اینکه در انجام هر کاری، خدا را در نظر داشته باشیم و به فکر آسودگی و آرامش ملت و منافع جامعه باشیم. در این صورت بایستی به مردم خدمت کنیم تا خداوند بیشتر ما را یاری دهد». این متن را می توان به عنوان بخشی از گفتمان دینی و مذهبی در تجربه جمهوری کردستان در نظر داشت.

گفتمان دینی و مذهبی در کردستان از قدیم الایام در میان کردها از نفوذ زیادی برخوردار بوده است. وجود دانشمندان نامدار و شناخته شده مسلمان در میان کردها که شهره جهانی دارند، بیانگر این تأثیر متقابل بوده است که هنوز هم ادامه دارد. بنابراین، گفتمان مذهبی در کردستان هم تولید کننده گفتمان خاصی بود و هم اینکه از سایر گفتمان ها تأثیر می گرفت. در متن، مشخصاً جهت گیری مبارزه با ستمگران و حمایت از ضعفا که عمدتاً در خانه گفتمان چپ قرار می گیرد، وارد گفتمان مذهبی در کردستان شد.

نمونه های مطرح شده بخشی از ادبیاتی است که در واقع گفتمان دینی را در کردستان در بر می گرفته است. نمونه های بسیار دیگری در روزنامه کردستان است که به صورت رسمی حزب دموکرات اعیاد دینی را به مردم تبریک گفته است یا احکام دینی را محترم شمرده است.

وجود کسانی چون ملا حسین مجدی که از علمای مطرح در آن دوره بوده اند در سمت دادگستری از جمله نشانه هایی است که جایگاه گفتمان مذهبی را در تجربه جمهوری نشان می دهد. بنابراین می توان گفت که در تجربه جمهوری کردستان، دو فرهنگ مذهبی و چپ در جامعه وجود داشته، در حالیکه فرهنگ مذهبی و سنت های آن بیشتر از فرهنگ چپ، مورد توجه بوده است.

۴-۴-۴. گفتمان استقلال / خودمختاری

در بخش مفاهیم اساسی مطرح شده در مقالات مورد بررسی روزنامه کردستان، پیرامون مفهوم استقلال مسائلی مطرح گردید که نیاز به تکرار آن نیست. اما از نظر گفتمانی با توجه به اینکه گفتمان های استقلال / خودمختاری در کانون بررسی رساله قرار دارد، لازم است ارتباط مفهوم و گفتمان استقلال / خودمختاری را در متن تحولات مربوط به کردستان در جمهوری کردستان مورد بحث قرار داد. از نظر مفهومی، دو برداشت از استقلال مطرح گردید که به دو سطح تحلیل از رویدادها مربوط اند. از یک نظر استقلال به عنوان مفهومی که اشاره به داشتن سامانی سیاسی جدا از دولت مرکزی دارد و به معنی ایجاد کیانی مستقل است و از سوی دیگر، به اعتبار نوع پیوندی که میان کردها و آذربایجان از دیدگاه شوروی و مقامات جمهوری خودمختار آذربایجان می بایست برقرار شود، تفاوت جدی وجود دارد.

در بحث از دیدگاه های قاضی محمد به عنوان رئیس جمهور، در چند مصاحبه ی منتشر شده در روزنامه کردستان یا روزنامه های ملی آن دوره، نه تنها قاضی محمد تأکید کرده است که هدف از اعلام جمهوری جدایی طلبی و استقلال به معنای جدایی از ایران نیست، بلکه هدف داشتن اختیارات محلی برای اداره امور توسط مقامات محلی و مستقل از تبریز و در چهارچوب کیان سیاسی ایران است. تفاوت مخالفت با دستگاه سلطنت، شاه و اطرافیان آن با مخالفت با کیان سیاسی ایران نیز مورد بحث قرار گرفت. اینک با ادامه این بحث، از نظر گفتمانی به موضوع استقلال پرداخته می شود.

قاضی محمد در مراسم اعلام جمهوری در حضور حدود بیست هزار نفر از مناطق مختلف در مهاباد، در سخنرانی خود به تاریخ گذشته کردستان، سابقه وجود امرا و حاکمان کردستان در گذشته و حال اشاره کرده و به موانعی که در پیش پای کردهای ایران وجود داشته است، اشاره می نماید. در این بین به نقش سه گانه مرام دموکراتیک، فعالیت حزب دموکرات کردستان و حمایت دنیای دموکراسی، اشاره می کند که عوامل موثری در ایجاد تغییر در وضعیت سیاسی-

اجتماعی کردستان بوده اند. امرای مورد اشاره قاضی محمد و حاکمیتی که داشته اند، در چهارچوب حاکمیت ایران و به صورت ملوک الطوائفی بوده است که از آن به امرای محلی کرد در مناطق مختلف کردستان از جمله امرای اردلان یا مکریان و... یاد شده است. بنابراین، اگرچه امرای کرد دارای حاکمیت محلی بوده اند اما از سوی شاه یا شاهزادگانی که اختیار این مناطق به آنها واگذار می شده، تعیین می شدند. تلاش برای بدست آوردن این اختیارات مستقل محلی از دیدگاه قاضی محمد با درخواست خودمختاری از سوی حزب که در رأس آن قاضی محمد قرار دارد، حمل بر وجود تناقض نیست و به نظر می رسد در این مورد رأی عباس ولی از واقعیت دور است. زیرا قبل از اعلام جمهوری و بعد از آن، قاضی محمد از استقلال به معنی جدایی طلبی صحبت نکرده و حتی آن را رد می کند.

سخنرانی قاضی محمد، از نظر گفتمانی بر مدار گفتمان دموکراسی است. در عین حال برقراری خودمختاری با عنوان جمهوری کردستان و اعلام آن در مه‌آباد، مهمترین تغییری است که در این زمینه گفتمانی روی می دهد. گفتمان های دیگری نیز مورد استفاده سخنران قرار گرفته که برخی از آن ها عبارتند از گفتمان تاریخی، گفتمان استبدادی و دیکتاتوری، گفتمان آزادی، گفتمان برابری جنسیتی، گفتمان حزبی، گفتمان آموزشی (زبان کردی)، گفتمان اقتصادی و گفتمان مذهبی. این گفتمان ها پیرامون گفتمان دموکراسی مفصل بندی شده اند و نظم گفتمانی آن را ایجاد کرده اند. از سوی دیگر، نشان دهنده تفوق تدریجی گفتمان حزبی بر روند تغییرات است. استفاده از گفتمان های بسیار و متنوع در متن، نشاندهنده سقف بالای درخواست جامعه کردی آن دوره برای تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از دیدگاه فرکلاف است.

در تبیین آن می توان گفت که تحولات مربوط به جنگ جهانی در کردستان و خلاء قدرت ناشی از عدم حضور دولت مرکزی و در نهایت حمایت شوروی، تجربه جمهوری کردستان را در مه‌آباد شکل داد. طبیعی است که تاثیر تحولات جهانی در شکل دادن به این پدیده عمیق تر از تحولات داخلی ایران بوده است. این واقعیت در سخنان قاضی محمد بخوبی قابل درک است. ضمن اینکه قاضی محمد با اشاره به تغییراتی که بعد از تشکیل دولت خودمختار، ایجاد کرده اند، نشان می دهد که گفتمان دموکراسی و دولت خودمختار، نه تنها کردها را از محدودیت های دولت استبدادی رها کرده است، بلکه به بر ساخت گفتمان دموکراسی و آزادی نیز کمک کرده

است. برخی از مصادیق این تغییرات را قاضی محمد نام برده است مانند تاسیس مدارس دخترانه و پسرانه در شکل واحد و برابر و تاکید برابر بر نقش زنان و مردان در جامعه. به نقل از عباس ولی، گفته شده است که حتی حقوق کارمندان این جمهوری توسط دولت مرکزی پرداخت می شد. او می نویسد: از نظر قانونی و اداری، رابطه ی جمهوری کردستان با تهران قطع نشده بود. همین موضوع نشان می دهد تهران هم پذیرفته بود که این جمهوری، خواسته های دمکراتیک و مدنی را در چهارچوب ایران دنبال می کند. حتی روابط مالی هم برای پرداخت حقوق ها باقی مانده بود. وی در جای دیگر می گوید حتی در بعضی از موارد نه فقط حاکمیت سیاسی ملت کرد بلکه گفتمان خودمختاری نیز انکار می شد، هم چنانکه سران جمهوری تاکید می کردند که مقاصد سیاسی آنان در چهارچوب حاکمیت ایران بوده و به حاکمیت ایران احترام می گذارند (Vali, 2011: 90). بر اساس همین شواهد است که برخی از پژوهشگران می گویند جمهوری کردستان بیش از آنکه تمامیت ارضی ایران را هدف قرار دهد، در عمل، نوع نظام دولت مرکزی را به چالش کشیده بود و به جای جدا شدن از کشور ایران، تغییر نظام سیاسی ایران را پاسخی برای حل مشکلات اقلیت کرد در ایران می دید.

قدیر نصری، از صاحب نظران سیاسی ایران با بیان این واقعیت که در گذر زمان و با فروپاشی ایران و عثمانی، حدوث جنگ های گوناگون بین دو امپراطور یادشده و نهایتاً ورود استعمارگران به منطقه، تقسیم بندی کردها صورت عینی به خود گرفت و کردهای ساکن هر کدام از کشورهای منطقه، در وضعیت متفاوتی واقع گردیدند، معتقدند که تلاش برای ایجاد کردستان بزرگ، متشکل از کردهای منطقه، تاریخ پر فراز و نشیب دارد (نصری، ۱۳۷۸: ۱۶۴). وی می نویسد که: «اگر ملت را مجموعه ای تعریف کنیم که از لحاظ تاریخ، اصل و نسب، تجمع ایدئولوژی، زبان، سرزمین و مذهب اشتراک دارند، و اقلیت قومی را شامل گروه ها و اقوامی بدانیم که در کشوری به سر می برند که دولت آن تحت سلطه قوم دیگری است، کردستان ایران یک منطقه ی اقلیت نشین به شمار می آید و در صورت فقدان انسجام داخلی، به راحتی از ناحیه ی تهدیدات خارجی، آسیب پذیر می باشد و حداقل تاریخ نیم قرن اخیر شاهد این مدعا است. توفیق نسبی شوروی سابق در کردستان، قیام سمیتقو (اسمعیل آقا سمکو)، تشکیل جمهوری مهاباد، فعالیت احزاب احزاب دمکرات کردستان و کومله گویای این واقعیت است که عنصر اساسی تحریک افکار و گرایش های جدایی طلبانه در این منطقه، تلاش قدرت های خارجی بوده است و این تلاش هنگامی قرین توفیق گردیده است که گفتمان

مسلط در مرکز، در صدد حذف تمایزهای ملی- مذهبی موجود بوده و به صورت آمرانه، قصد تسطیح عقیده و ملی را داشته است» (نصری، ۱۳۷۸: ۱۶۶). در این متن اگرچه در ابتدا قدیر نصری به درستی تمایزات داخلی را مبنای ایجاد رابطه ی اکثریت- اقلیت برشمرده اند، اما در ادامه با دور شدن از محور اصلی تحلیل، به یکباره اشاره کرده اند که عنصر اساسی تحریک افکار و گرایش های جدایی طلبانه، ناشی از تلاش قدرت های خارجی بوده است. البته تأکید کرده اند که این امر وقتی موفق بوده است که در داخل سیاست یکسان سازی دینی و قومی به صورت آمرانه اجرا شده است.

۵. نتیجه گیری

با توجه به دیدگاه های فرکلاف و بر اساس نتایج بدست آمده از داده های پژوهش و تحلیل آن ها، اینک می توان گفت که تجربه جمهوری کردستان، بخشی از نتایج محلی استبداد حاکم بر ایران در دوران قاجاریه و پهلوی است. از این نظر است که گفتمان اصلی جمهوری در ابتدا آزادی و دموکراسی است و بعد از آن، خواست خاص گرایانه ناسیونالیستی کرد است که در کسب خودمختاری با اختیارات مشخص قانونی و در چهارچوب سیاسی دولت ایران مطرح شده است. البته آمیخته شدن تجربه کردها در ایران با موضوع مهاجرت کردهای عراقی در اثر برخورد نیروهای دولتی با جنبش کردها در عراق، زمینه را برای مطرح شدن خواست های متفاوتی چون استقلال به تأثیر از مسائل و رویدادها و تحولات سیاسی و اجتماعی مردم کرد بعد از فروپاشی عثمانی و تشکیل دولت های عراق، ترکیه و سوریه، مخصوصاً وجود پیمان نامه هایی بین المللی و منطقه ای برای تأسیس یک دولت کردی در این منطقه، فراهم کرده و از این رو، هم ممکن است و هم طبیعی است برخی از روشنفکران از این ایده استقبال کرده باشند. اما همچنانکه فرکلاف معتقد است گفتمان ها در بستر اجتماعی شان قابل درک هستند، بنابراین نظم گفتمانی حاکم بر تجربه کردستان، خواست عمومی مقامات رسمی جمهوری و در رأس آن قاضی محمد و نیز کنش رفتاری مردم کرد به طور کلی اعم از عشایر حامی جمهوری و مردم شهرهای تابع جمهوری، نشان از آن دارد که خواست ها در چهارچوب ایران و حتی برای تحقق اهدافی چون آزادی، دموکراسی، پیشرفت و رفاه مردم در سطح ایران و نه فقط کردستان بوده است. موقعیت هایی چون آزادی، استقلال، خودمختاری و مانند این ها در متن

های موجود همه در توصیف وضعیتی آمده اند که مبنای جمهوری بر آن نهاده شده است. از این نظر هیچگونه چهارچوب نظری یا تئوری خاصی برای تشکیل یک دولت جدا از دولت ایران در ذهن نویسندگان و مسؤولان این دوره وجود نداشت.

در نهایت می توان گفت که فروپاشی جمهوری کردستان، بیش از یک سرمشق و درس تاریخی است. برای کردها این تنها یک حادثه تاریخی نیست بلکه هم چنان واقعیت زمان حال آنان است که نه تنها مخیله تاریخی شان را تحریک کرده است، بلکه گفتمان ها و عملکردهای کنونی آنان را شکل می دهد، از این طریق آنان درباره گذشته خود تأمل می کنند و با زمان حال خود روبرو شده و به آینده می اندیشند (Vali, 2011: 137).

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۴)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اکبری، محمدعلی (۱۳۸۴)، *تبارشناسی هویت جدید ایرانی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۹۰)، *پساسیاست، نظریه و روش*، تهران: نشر نی.
- حسین، همیداد (۲۰۰۲)، *روزنامه نگاری کردی در عصر جمهوری کردستان*، اقلیم کردستان عراق: انتشارات سردم.
- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۴)، *قدرت، گفتمان و زبان*، تهران: انتشارات نشر نی.
- عضدانلو، حمید (۱۳۹۴)، *گفتمان و جامعه*، چاپ سوم، تهران: انتشارات نشر نی.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه ی فاطمه شایسته پیران و دیگران*، تهران: انتشارات مرکز مطالعات رسانه ها.
- موبلی، ریچارد آ (۲۰۰۸)، *روابط جمهوری کردستان و آذربایجان*، ترجمه فارسی اسماعیل بختیاری، سلیمانیه: انتشارات شوان.
- ولی، عباس (۱۳۹۷)، *سکوت روز هه لات*، بی جا، بی نا.
- یورگنسن، ماریان و فلیپس، لوئیز (۱۳۸۹)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: انتشارات نشر نی.
- محمدی، حمزه (۱۳۶۹)، «چرخش گفتمانی و پروبلماتیک شدن موقعیت»، *فصلنامه فرهنگی و اجتماعی هه نار*، شماره ۲ و ۱، صص ۹۸-۱۸۱.

تحلیل گفتمان دولت ستیزی در تجربه جمهوری کردستان..

- نصری مشکینی، قدیر (۱۳۷۸)، «جمعیت و امنیت: امکانات و موانع پیدایش دولت کردی در منطقه خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره ۵ و ۶، صص ۱۸۴-۱۵۷.
- نوذری، حمزه و دیگران (۱۳۹۲)، «سودمندی گفتمان انتقادی فرکلان در تحلیل متون انضمامی»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره دوم، شماره ۱.
- اخباری، محمد و دیگران (۱۳۹۴)، «تبیین توسعه‌ی پایدار سیاسی مطالعه‌ی موردی ایران»، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، شماره ۳۹، صص ۳۳-۵۸.
- کلانتری، صمد و دیگران (۱۳۸۸)، «تحلیل گفتمان: با تاکید بر گفتمان انتقادی به عنوان روش تحقیق کیفی»، مجله جامعه‌شناسی، سال اول، شماره ۴، صص ۲۸-۷.
- وان برونسن، مارتین (۱۳۸۳). «جامعه کردستان، قومیت، ناسیونالیسم و مسائل پناهندگان»، ترجمه علی دلاویز، گاهنامه سیاسی اجتماعی نویسا، شماره اول، صص ۷۹-۳۹.
- داوودی، علی اصغر (۱۳۸۹). «نظریه‌ی گفتمان در علوم سیاسی»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره هشتم، صص ۷۴-۵۱.
- محسنی، محمد جواد (۱۳۹۱)، «جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلان»، فصلنامه معرفت فرهنگی، شماره ۱۱، صص ۸۶-۶۲.

(ب) منابع انگلیسی

Vali, Abbas (2011), *Kurds and the State in Iran*, London/ New York, I.B. Tauris.